بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه هفتاد و هفتم از درس تدبر در سوره بقره

 در این قسمت ما فصل سوم را بررسی می‌کنیم که شامل سیاقهای ۱۱ ،۱۲ ،۱۳،۱۴ و ۱۵ هست .در فصل سوم سیاق 11 گفتیم خدا خطاب به مومنان می‌گوید آیا طمع دارید بنی اسرائیل به دین و کتاب شما ایمان بیاورند ولی آنها اینطور نیستند آنها دو گروه هستند :گروه اول که عالمان و دانشمندان هستند و مشغول تحریف شده‌اند و مستندات پیامبر را از کتابشان پاک می‌کنند، گروه دوم امیون هستند که از کتاب‌های آسمانی خود چیزی نمی‌دانند و چشم و گوش بسته از دانشمندان خود پیروی می‌کنند پس امیدی به ایمان آوردن این‌ها نیست.

 در سیاق دوم یعنی سیاق 12 خداوند فرمود: بنی اسرائیل حتی به میثاق خود به کتاب‌های آسمانی خود هم پایبند نیست چرا؟ به خاطر حب دنیا و ترجیح دنیا بر آخرت این‌ها حتی به اخراج گروهی از خود می‌پردازند و کتاب خود را سندی برای دنیا طلبی‌های خود قرار دادند این‌ها اقدام به قتل‌های گروهی در داخل خود می‌پردازند پس این سیاق دوم یعنی سیاق ۱۲ مثل سیاق ۱۱ می‌فرماید منتظر این‌ها نباشید این‌ها ایمان بیار نیستند .

در سیاق سیزدهم خداوند فرمود :بنی اسرائیل نسبت به قرآن مقاومت معاندانه دارند با اینکه به حقانیت آن علم دارند یک ریشه‌یابی تاریخ شناسانه انجام می‌دهد و می‌فرماید که سیره این‌ها در طول تاریخ این بوده که هرگاه پیامبری آمد به او کفر ورزیدند و یا او را به قتل رساندند.

 سیاق چهاردهم می‌فرماید که چرا بنی اسرائیل معاندانه با قرآن و پیامبر صلی الله رفتار می‌کنند، دلیل آن آن حب عجل است یعنی دنیا گرایی از یک سو و از سوی دیگر خیال آسوده از عذاب هست «وقالوا لن تمسنا النار الا ایاما معدودات» حتی با جبرئیل علیه السلام هم دشمنی اتخاذ کرده‌اند یعنی می‌خواهند آموزه‌های پیامبر صلی الله را آموزه‌های جبرئیلی و خشک و خشن بدانند و جبرئیل را یک فرشته مشکل‌دار می‌دانند که دنبال این است که دنیا را به کام نابودی بکشاند و ما نمی‌توانیم تبعیت کنیم .وقتی نمی‌توانند در مقابل قرآن و پیامبرصلی الله کاری انجام دهند بدین گونه بهانه می‌آورند .

سیاق پانزدهم از آیات (۹۹ تا ۱۰۳ )می‌باشد در این سیاق خداوند می‌فرمایند «و لقد انزلنا الیک آیات بینات و ما یکفر بها الا الفاسقون» این‌ها به هر بهانه‌ای کفر بورزند کفر آنها ریشه در فسق این‌ها دارد، خداوند می‌فرماید: آیا این سیره عهد شکنی ادامه پیدا می‌کند؟ «ولما جاءهم رسول من عند الله مصدق لما معهم نبذ فریق من الذین اوتو الکتاب کتاب الله وراء ظهورهم کانهم لا یعلمون »وقتی رسولی نزد این‌ها می‌آید دو کار می‌کنند« نبذ فریق من الذین اوتوا الکتاب کتاب الله وراء ظهورهم» اولاً کتاب خدا را پشت سر می‌افکنند با چه کاری با تحریف و کتمان و جابجا کردن سعی می‌کنند از زیر کتاب آسمانی خود آن را پشت سر بیندازند خوب کار دوم و «اتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان »کار دوم این‌ها برای فرار از قرآن این است که وقتی کتاب‌های خود را پشت سر می‌افکنند تابع بافته‌های شیاطین می‌شوند و از آنها تبعیت می‌کنند در زمان سلیمان ،ولی سلیمان کافر نشد و ما کفر سلیمان «ولکن الذین کفروا» بلکه شیاطین کافر شدند شیاطین از دو ملک هاروت و ماروت چیزی یاد گرفتند که بین مرد و زن اختلاف بیندازند.

 در بابل هاروت و ماروت از جانب خدا مامور شدند تا اصول سحر را برای مقابله با سحر آموزش دهند به مردم و سلیمان و شیاطینی که در عهد سلیمان فعالیت داشتند و به هر کس آموزش می‌دادند می‌گفتند« انما نحن فتنه» ما آزمایش هستیم .سلیمان کافر نشد و در این آزمایش پیروز شد و شیاطین به سوء استفاده از سحر پرداختند و بین زن و شوهرها اختلاف انداختند .گویا این شیاطین کتابی از این سحر آموزش داده شده تهیه کردند و مردم از آن‌ها تبعیت کردند« یعلمون الناس السحر»و کتاب خود را پشت سر انداختند چون نمی‌خواستند تن به اسلام و پیامبر اسلام بدهند .

در این سیاق می‌فرماید از این به بعد دیگر با یک گروه شیطان پرستی و ماسونی روبرو هستیم.

 پس در این فصل چه گذشت :

فصل اول می‌فرمود خدا و پیامبر از هم جدا نیست و آب پاکی را دست بنی اسرائیل افکند.

 فصل دوم رسماً دعوت کرد که بیایید به تاریخ خود نگاه کنید و به پیامبر ایمان آورید .

فصل سوم می‌فرماید ای مومنان ما هرچه فراخوان دادیم این‌ها ایمان بیار نیستند منتظر ایمان آوردن آنها نباشید.

 سیر این فصل را بررسی می‌کنیم دلیل اول برای حرف خودمان اینکه با وجود محرفانی که دانسته تورات را تحریف می‌کنند و ناآگاهانی که از آنها پیروی می‌کنند دیگر امیدی به ایمان بنی اسرائیل نیست. دلیل دوم اینکه آنها به میثاق کتاب خودشان پایبند نیستند به خاطر حب دنیا و ترجیح آن به آخرت این‌ها به قساوت رسیدند و حتی باندهای آدم کشی راه انداختند دلیل سوم اینکه بنی اسرائیل نسبت به قرآن و و پیامبر مقاومت معاندانه دارند و کار این‌ها در تاریخ استکبار و تکذیب و قتل انبیا بوده، دلیل چهارم حب عجل وخیال آسوده از عذاب و دشمنی با جبرئیل هست ودلیل پنجم ای مومنین بدانید این‌ها کتاب خود را پشت سر انداخته‌اند و شیطان گرا شده‌اند پس بیش از این نمی‌شود تاریخ انبیا و رسولان و مومنان و ادیان را معطل بنی اسرائیل کرد.

 کل فصل ۲ و ۳ جمع‌بندی بشه اینطور میشه قرآن در این فصل کمال ناامیدی از بنی اسرائیل را اظهار می‌دارد بنی اسرائیل زمان قرآن در ورطه انحطاط واز تحریف و پیمان شکنی دنیا گرایانه تا عناد و دشمنی با فرشته وحی و تبعیت از بافته‌های شیاطین قرار دارند.

 فصل چهارم سیاق ۱۶ آیات( ۱۰۴ تا ۱۱۰) در این فصل خداوند می‌خواهد کاری کند که که مومنان از بنی اسرائیل پیروی نکنند. آنها در تلاشند که شبهه افکنی به پا کنند تا مومنان پیامبر متزلزل شوند و فرهنگی که خودشان در طول تاریخ داشتند به مومنان زمان پیامبر تزریق کنند. به امت اسلامی گفته شده که منتظر این‌ها نباشید و بو برده‌اند که خداوند منتظر این‌ها نمی‌ماند و می‌خواهد امت الهی را بدون این‌ها شکل دهد، به مومنان و پیامبر صلی الله می‌فرماید خودتان خیمه را بلند کنید و کم کم می‌خواهد قبله را هم تغییر دهد. این‌ها شروع به جریان سازی در داخل امت پیامبر صلی الله می‌کنند تا پیامبر صلی الله از داخل جامعه ایمانی لطمه بخورد و مومنین رفتار یهودیسم اسلامی پیدا کنندو از طرفی بنی اسرائیل این کار را می‌کند و یک عده ساده اندیش داخل جامعه ما هم حرف آنها را باور می‌کنند و خدا می‌خواهد از طرفی امت جدید درست کند و این‌ها شروع به شبهه افکنی می‌کنند تا این امت جدید تشکیل نشود.

 در سیاق ۱۶ می‌فرماید:« یا ایها الذین آمنو لا تقولو راعنا و قول انظرنا واسمعوا» کل کلید فصل ۴ خلاصه‌اش همین آیه است همانطور که کل کلید فصل ۳ افتطمعونه بوده ،خوب فرهنگ راعنا منظور چه فرهنگی است ؟فرهنگ راعنا این است که امتی به امام بگوید ما حال نداریم بیاییم تو هم نرو. همان فرهنگی است که قبلاً می‌گفت «لن نصبر علی طعام واحد» به مومنان می‌فرماید گوش دهید اگر در وادی راعنا افتادید کفر است فکر نکنید امت مومن دو نوع هست یکی راعنایی و یکی انظرنایی بلکه امت واحد فقط انظرنایی داریم .یعنی هوای ما را داشته باش که بیاییم ما داریم می‌آییم .بعد می‌فرمایند که «ما یود الذین کفروا من اهل کتاب» می‌فرماید این فرهنگ را از چه کسانی یاد می‌گیرید از کافران اهل کتاب ولی بدانید آنها خیری برای شما نمی‌خواهند و بعد می‌فرمایند که« ماننسخ من آیت او ننسها نآت بخیر او مثلها »می‌فرماید ما هیچ آیه‌ای را نسخ نمی‌کنیم بلکه بهتر از آن می‌آوریم این زمینه سازی تغییر قبله است یعنی در آستانه تشکیل امت جدید اهل کتاب دست به کار شدند مومنان را متزلزل کنند و می‌گویند: آیا مگر قبله عوض شدنیست قبله تا حالا اینجا بوده حالا پیامبر شما می‌گوید قبله باید عوض شود قبله مگر عوض شدنی است آن هم به قبله‌ای که دست مشرکان است و بتخانه شده است، او می‌خواهد شما را از دایره رسل و انبیا الهی بیرون برد . خداوند می‌فرماید مگر ملک آسمان‌ها و زمین از آن خداوند نیست و او بر هر چیزی قادر است و می‌داند چه کار کند. خداوند می‌فرماید این جابجایی ایمان و کفر است اگر شما با بنی اسرائیل در این زمینه هم عقیده شدید به وادی کفر می‌افتید «ود کثیر من اهل الکتاب لا یردونکم من بعد ایمانکم » می‌فرماید این‌ها می‌خواهند در ایمان شما را به تزلزل بکشند و به کفر بکشانند و چیزی که باعث این کار می‌شود حسد هست و بعد می‌فرماید «فاعفو واصفحوا حتی یاتی الله بامره »منظور این است که باید فرهنگ دینی خود را آنقدر بالا ببریم که بتوانیم با این‌ها مقابله به مثل کنیم یعنی قوی شویم.

 در این سیاق ۱۶ می‌فرماید: فرهنگ سازی الهی برای مومنان به منظور جلوگیری از اثرپذیری این‌ها از بنی اسرائیل است.

 حال به سیاق ۱۷ می‌رسیم آیات (۱۱۱ تا ۱۱۳) این‌ها برای اینکه اهداف تزلزل آفرین خود را دنبال کنند این کارها را انجام می‌دهند اولاً گفتند« قالو لن یدخل الجنة الا من کان هودا او نصارا » بدانید انتهایش بهشت نیست قرآن می‌فرماید هر کس ادعایی بیاورد باید دلیل هم بیاورد. هر کس مسلمان باشد او اهل بهشت است دلیل ما این است« بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولام یحزنون» هر کس تسلیم خداوند باشد و محسنانه زندگی کند خوف و حزنی در او نیست . این مسئله یک موقع در یهودی‌ها بوده و یک بار در مسیحیان و الان در پذیرش اسلام و قرآن و پیامبر صلی الله است دلیل دوم اینکه فرمودند:« و قالت الیهود لیست النصارا علی شی» دلیل دوم این است که این‌ها گفتند که راه فقط راه یهود و نصارا تا مومنان را متزلزل کنند شما خودتان خودتان را قبول ندارید یهود می‌گوید نصارا چیزی نیست و نصارا می‌گوید یهود چیزی نیست، خداوند می‌فرمایند:«وقال الذین لا یعلمون مثل قولهم» یعنی جریان نادان‌هایی است که این حرف بی‌دلیل و بی‌ مستند آنها را در جامعه ایمانی تکرار می‌کنند پس اینجا پاسخ خداوند به حرف آنهاست که می‌گفتند تنها راه ورود به بهشت نصرانی و یهودی بودن است خداوند می‌فرماید تنها راه ورود به بهشت اسلام است و شاهد کذب ادعای مذکور آنهاست به خاطر اختلاف شدیدی که یهود و نصارا دارند وهیچگاه این حرف این‌ها قابل قبول نیست .